

مالیات سبز در مسیر توسعه پایدار

سید رضا سید نژاد فهیم^۱

اسماعیل اقدامی^۲

مالیات‌ها به عنوان یک منبع درآمد قابل اطمینان همواره مورد توجه دولتمردان بوده است، اما از آنجایی که این ابزار پراهمیت دولت اختلالاتی در اقتصاد ایجاد می‌کند اقتصاددانان به فکر افتادند که پایه‌های مالیاتی جدیدی را معرفی کنند که کمترین عدم کارایی را در سیستم اقتصادی ایجاد نماید. بین انواع مالیات‌ها مالیات‌های سبز^۳ از چینی ویژگی برخوردارند. با بررسی ادبیات نظری اقتصاد محیط‌زیست، کالاهای عمومی و مالیات سبز می‌توانند به عنوان ابزارهای اقتصادی در جهت کاهش مصرف حامل‌های انرژی و حفظ محیط‌زیست شناخته شود و همچنین از لحاظ کارایی اقتصادی در قالب یک ابزار مناسب مالی برای اقتصاد ایران پیشنهاد می‌گردد.

واژه‌های کلیدی: مالیات سبز، توسعه پایدار، مالیات مستقیم زیست محیطی، مالیات غیرمستقیم زیست محیطی.

۱. مقدمه

هدف هر سیستم اقتصادی در هر جامعه‌ای، دستیابی به حداکثر رفاه اجتماعی است. در این رهگذر استفاده بهینه و کارا از منابع در طول زمان (حال و آینده) از اهمیت خاصی برخوردار می‌باشد. با اشاعه مفهوم توسعه پایدار حفاظت از محیط‌زیست و توجه به نیازها و شرایط زندگی نسل آینده، استفاده هدفمند و کارا از منابع مفهوم جدیدی می‌یابد. در این رهگذر استفاده از ابزارها و چارچوب‌های سیاست‌گذاری نوین که شرایط توسعه پایدار را مهیا می‌سازد پسندیده و مفید به نظر می‌رسد.

fahim_re@yahoo.com

esmail.eghdami@gmail.com

3. Green Taxes

۱. عضو هیأت علمی دانشگاه آزاد لاهیجان.

۲. عضو هیأت علمی دانشگاه آزاد لاهیجان.

هر کشوری به منظور بهبود در ساختار اقتصادی و ثبات، نیازمند درآمدهای پایدار و دائمی است که می‌تواند موفقیت دولت را در برنامه‌ریزی و سیاستگذاری‌های بلندمدت افزایش دهد. در بین انواع منابع دولت، مالیات به عنوان منبع دائمی و قابل پیش‌بینی همواره مورد توجه دولتمردان بوده است. اعمال مالیات هم به جهت کسب درآمد و هم به منظور ایزاری جهت سیاستگذاری آثار متفاوتی را بر اقتصاد تحمیل می‌کند. این آثار که در اغلب موارد عدم‌کارایی را در نظام اقتصادی تشدید می‌نماید به دلیل پایداری و ثبات درآمدی در جهت تأمین منابع برای انجام وظایف دولت از نقطه‌نظر اقتصاددانان قابل توجه است. در این مقاله ابتدا مالیات سبز (مالیات از زیست‌محیطی) و ویژگی‌های آن مطرح می‌شود سپس انواع مالیات‌های زیست‌محیطی یعنی مالیات مستقیم و غیرمستقیم ارائه می‌شود در پایان ضمن بررسی قوانین و مقررات زیست‌محیطی نتیجه‌گیری از مباحث ارائه شد یا بیان می‌گردد.

در این مقاله ابتدا مالیات سبز (مالیات زیست‌محیطی) و ویژگی‌های آن مطرح می‌شود، سپس انواع مالیات‌های زیست‌محیطی یعنی مالیات مستقیم و غیرمستقیم ارائه می‌شود و در پایان، ضمن بررسی قوانین و مقررات زیست‌محیطی نتیجه‌گیری از مباحث ارائه شده بیان می‌گردد.

۲. مالیات سبز

مالیات‌ها علاوه بر وظیفه تأمین مالی دولت از جنبه‌های دیگری نیز دارای اهمیت می‌باشند. مالیات‌ها یکی از ابزارهای اقتصادی دولت جهت دخالت در بازار در مواقع لزوم و وسیله‌ای برای تأمین مالی دولت جهت نیل به دیگر اهداف مورد توجه جوامع بشری می‌باشند، زیرا دولت‌ها با هر ساختار سیاسی دارای سه هدف اصلی می‌باشند: ثبات اقتصادی، توزیع عادلانه درآمد و تخصیص بهینه منابع. مالیات‌ها از یکسو با توجه به اصابت مالیاتی بر شرایط توزیعی جامعه تأثیرگذار هستند و از سوی دیگر، با جابجایی منابع از بازاری به بازار دیگر آثار تخصیصی به همراه دارند. از این رو، متخصصان اقتصاد همواره در پی شناسایی پایه‌هایی از مالیات هستند که کمترین عدم‌کارایی را به جامعه تحمیل کند.

بین انواع مالیات‌ها تنها پایه مالیاتی که چنین ویژگی را دارد مالیات‌های محیط‌زیستی^۱ است. این پایه مالیاتی که بر انواع آلودگی‌های محیط‌زیستی اعمال می‌شود نه تنها کارایی را خدشه‌دار نمی‌کند بلکه به دلیل کاهش هزینه‌های ناشی از آلودگی فایده اجتماعی را نیز افزایش می‌دهد و به

1. Environmental Taxes

این نوع مالیات اصطلاحاً مالیات سبز می‌گویند. مالیات سبز بر پایه هزینه اعمال می‌شود، از این رو گستردگی بسیاری داشته و درآمد مناسبی را برای دولت به همراه دارد به همین جهت می‌تواند جانشین سایر پایه‌های مالیاتی شود. این نکته از یکسو اثر اختلازایی مالیات‌های دیگر را کاهش داده و از سوی دیگر برای جامعه به دلیل کاهش آلودگی فواید بسیاری دارد.

استفاده از مالیات ابزار مهمی برای نیل به اهداف مدیریت زیست‌محیطی^۱ به شمار می‌رود. مدیریت زیست‌محیطی می‌تواند از طریق مالیات بین استفاده از دستورات اقتصادی و ایجاد اشتیاق تعادل برقرار نماید. در سال ۱۹۹۷ از سوی برخی از نظریه‌پردازان علم اقتصاد و محیط‌زیست چنین پیشنهاد شد که برای مقابله با آسیب‌های زیست‌محیطی و نیز حمایت از توسعه پایدار نحوه محاسبه مالیات از مالیات بر درآمد به مالیات بر محیط‌زیست تغییر یابد و آن را به بهای تمام‌شده محصولات، انرژی و خدمات افزوده و در نتیجه این مالیات بطور کلی از سوی مصرف‌کنندگان پرداخت گردد.

اخذ چنین مالیات‌هایی که در سطح ملی بین برخی از کشورهای مطرح گردیده بود هم اکنون با افزایش آلودگی فرامرزی و رقابت برای منابع مشترک بین‌المللی و نیز ظهور تحولات و تهدیدات جدی برای محیط‌زیست جهانی به صورت استقرار یک نظام مالیاتی^۲ برای محیط‌زیست جهانی مورد بحث و تبادل نظر قرار دارد. وظیفه مالیات‌های زیست‌محیطی، افزایش درآمد دولت‌ها نیست بلکه در صدد ارائه اطلاعات دقیق در خصوص قیمت تمام‌شده محصولات به شرکاء بازرگانی است. مک موران و نلور راهکارهای کنترل آلودگی که پیشنهاد و به مورد اجرا گذاشته شده است را در قالب سه گروه دسته بندی نموده اند.

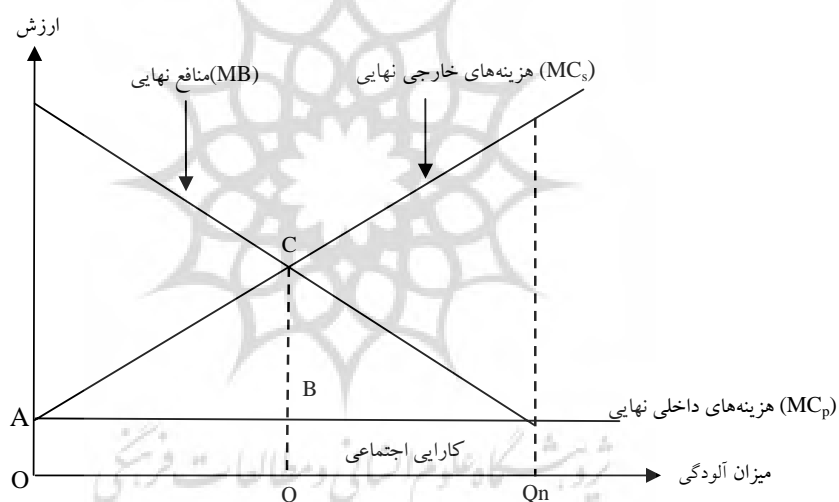
الف) مالیات مستقیم زیست‌محیطی (مالیات پیگو)

پیگو دانشمند انگلیسی در سال ۱۹۲۰ نظریه‌ای را ارائه کرده که بر اساس آن منبع آلوده‌کننده می‌بایست بر اساس مقدار نهایی خسارتی که به محیط‌زیست وارد می‌کند مالیات پردازد. مالیات بر آلودگی^۳ نفع شخصی آلوده‌کننده را تحت تأثیر قرار می‌دهد، بدیهی است که حفظ منافع شخصی، آلوده‌کننده را وادار می‌سازد تا راه‌هایی را برای کاهش پرداخت‌های مالیاتی خود بیابد. از این رو، بنگاه آلوده‌کننده به منظور کاهش میزان مالیات، مقدار تولید خود را کاهش می‌دهد و این امر منجر به کاهش هزینه‌های اجتماعی ناشی از آلودگی نیز می‌شود.

1. Environmental Management
2. Tax System
3. Pollution Tax

در نظریه پیگو مالیات می‌بایست با هزینه نهایی آلودگی بر هر واحد تولید برابر باشد، در نتیجه آن بنگاه با کاهش در سطح تولید به سطح کارآمد تولید یا تخصیص بهینه منابع دست می‌یابد. اگر نرخ مالیات یکسان نباشد و آلوده‌کنندگان با نرخ‌های مالیاتی مختلف مواجه باشند، بنگاه هزینه‌ها را از طریق انتقال فعالیت‌های اقتصادی از یک بخش با نرخ مالیات بالاتر به بخش دیگر با نرخ مالیات پایین‌تر کاهش می‌دهند.

از آنجایی که استفاده از وسایل کنترل آلودگی هزینه دارد، واحدهای اقتصادی می‌بایست هزینه وسایل کنترلی و مالیات پرداختی را با یکدیگر مقایسه کنند. با کنترل و کاهش میزان آلودگی، میزان مالیات پرداختی کاهش خواهد یافت. در نمودار زیر چگونگی اعمال مالیات محیط‌زیست (مالیات پیگویی) بر کالای Q به عنوان یک کالای آلوده‌کننده تشریح می‌شود.



نمودار ۱. مالیات پیگو

سطح OA سطح مالیات شرکت بدون در نظر گرفتن مالیات برای آلودگی است. از این رو، بدون مالیات بر آلودگی نتیجه اولیه بازار رقابتی، مقدار تعادلی تولید Q_n برای تولیدکننده است. آلوده‌کننده سعی خواهد کرد که در سطح Q_n جایی که منافع به حداکثر مقدار خود می‌رسد به فعالیت پردازد. به عبارت دیگر، تولیدکننده برای آلودگی مالیاتی نمی‌پردازد. شرایط بهینه پارتو زمانی تحقق می‌یابد که مجموع هزینه‌های نهایی (داخلی و خارجی) با مجموع فایده نهایی برابر باشد (نقطه Q) حد بهینه اجتماعی است.

هزینه‌های داخلی نهایی (MC_p) + هزینه‌های خارجی نهایی (MC_s) = منافع نهایی (MB)

منحنی هزینه نهایی خارجی (MC_s) هزینه نهایی اجتماعی حاصل از تخریب محیط‌زیست به واسطه انتشار آلودگی را نشان می‌دهد. با این روش با وضع مالیات برابر با CB برای هر واحد آلودگی، سطح مطلوب اجتماعی انتشار آلودگی را OQ مشخص می‌کند. این مالیات از طریق برابرنمودن هزینه‌های اجتماعی با منافع اجتماعی موجب بالارفتن کارایی می‌شود. این نوع مالیات با نرخ معین به هر واحد انتشار آلاینده‌ها و یا تخریب زیست‌محیطی تعلق می‌گیرد. مزایا و معایب مالیات بر انتشار آلاینده‌ها به این شرح می‌باشد:

• مزایا

- از آنجایی که این مالیات به صورت هزینه بر واحدهای اقتصادی تحمیل می‌شود واحدهای اقتصادی به منظور حفظ کارایی تولید سعی در کاهش هزینه‌ها و در نتیجه کاهش آلودگی محیط‌زیست خواهند داشت.

- این مالیات می‌تواند به عنوان یک مشوق ابداع و نوآوری برای واحدهای اقتصادی عمل کند. این واحدها برای کاهش بار مالیاتی روش‌های جدید تولید، حمل و نقل و استفاده از انرژی و مصرف آن را بکار خواهند گرفت. این موضوع هم از لحاظ توسعه پایدار و هم از لحاظ رقابت‌پذیری بین‌المللی آثار مفیدی را ایجاد خواهد کرد.

- مالیات محیط‌زیست از طریق داخلی کردن هزینه‌های خارجی، کارایی را مجدد به مکانیزم بازار بر می‌گرداند. از سوی دیگر، با جایگزینی این مالیات به جای مالیات‌های دیگر (از آثار درآمدی برای دولت) آثار تخریبی و اختلال‌زایی سیستم مالیاتی کاهش یافته و به عبارتی کارایی افزایش می‌یابد.

- این مالیات می‌تواند گامی در جهت هماهنگ‌سازی سیاست‌های مالیاتی با فرایند توسعه پایدار به شمار آید.

• معایب

- تأثیر نامطلوب بر واحدهای اقتصادی که به شدت به انرژی وابسته‌اند خواهد داشت. مالیات سبز از طریق افزایش هزینه، سطح کارایی واحدهای اقتصادی را کاهش می‌دهد.

- رقابت بین‌المللی واحدهای اقتصادی مشمول این مالیات به مخاطره می‌افتد. این واحدها به دلیل افزایش هزینه نهایی در موقعیت رقابتی ضعیف قرار می‌گیرند.

- انتقال صنایع و واحدهای اقتصادی به کشورهایی که مالیات کمتری بر انرژی وضع می‌نمایند. به عبارت دیگر، در برخی موارد مالیات محیط‌زیست تأثیر نامطلوب فرار سرمایه را در پی خواهد داشت.

- تأثیرات نامطلوب بر توزیع درآمد در جامعه ایجاد می‌کند. مالیات محیط‌زیست از طریق افزایش قیمت و کاهش مقدار تولید کالاها و خدمات، اقشار کم‌درآمد را تحت فشار قرار می‌دهد.

ب) مالیات غیرمستقیم زیست‌محیطی

نوع دیگری از مالیات‌های زیست‌محیطی است که به جای اخذ مالیات مستقیم بر حسب هر واحد آلودگی، مالیات را بر نهادهای تولیدی و یا کالاهای مصرفی که استفاده از آنها به نوعی با آسیب زیست‌محیطی در ارتباط است وضع می‌کنند. مزیت آن، انتقال پایه مالیات بر مصرف و هزینه است. این نوع مالیات به دلیل توجه به مصرف از طریق کاهش تولید، شرایط نگهداری و بهبود تکنولوژی موجب کنترل بیشتر آلاینده‌ها با هزینه بیشتری نسبت به مالیات پیگویی می‌شود.

مالیات‌های غیرمستقیم با وجود کارایی کمتر نسبت به انواع قبلی بیشتر مورد استقبال قرار گرفته‌اند. آنها نسبت به مالیات‌های پیگویی هزینه‌های بیشتری را بر اجتماع وارد می‌سازند و کارخانه‌های صنعتی را مجبور می‌کنند تا اصلاحاتی را در تمام ابعاد مختلف انجام دهند به گونه‌ای که میزان انتشار آلودگی با حداقل هزینه کاهش یابد.

این نوع مالیات همانند مالیات پیگو بجای استفاده از سیاست‌های کنترلی و دستوری متکی بر سیستم قیمتی است. از مقایسه آن با مالیات مستقیم دو نتیجه بدست می‌آید. یکی اینکه مالیات غیرمستقیم نسبت به مالیات پیگو هزینه بیشتری را تحمیل می‌کنند و دیگری اینکه در مواردی حتی ممکن است عدم جلوگیری از تخریب محیط‌زیست بهتر از بکارگیری مالیات غیرمستقیم برای کاهش آلودگی در سطح کارآمد اجتماعی باشد زیرا ممکن است هزینه بخش خصوصی برای کاهش آلودگی بیشتر از منافع اجتماعی حاصل باشد.

این مالیات به طرق مختلف در کشورهای جهان مورد استفاده قرار می‌گیرد. مالیات بر انرژی، عوارض کودهای شیمیایی، مالیات بر کربن، مالیات سوخت‌های فسیلی از روش‌های مختلف وضع مالیات غیرمستقیم زیست‌محیطی می‌باشد. مالیات‌های غیرمستقیم زیست‌محیطی این مزیت را دارد

که اغلب وضع مالیات بر کالاهای آلاینده محیط‌زیست نسبت به وضع مالیات بر خود آلاینده‌ها که به واسطه راه‌حل وضع مالیات پیگو ضروری می‌باشد آسانتر است.

ج) قوانین و مقررات زیست‌محیطی

نوع دیگری از مقابله با هزینه‌های خارجی آلودگی محیط‌زیستی، ایجاد مقررات دولتی است. این شکل از سیاست‌گذاری محیط‌زیست معیاری قابل قبول از آلاینده‌های محیط‌زیستی را تشخیص و اعلام می‌دارد و متخلفان از این معیارها را محکوم به توقف فعالیت مربوط می‌کند. معمولاً با توجه به کاهش رفاهی که به هر حال به دلیل توقف تولید کالاها و خدمات اقتصادی رخ می‌دهد این روش جز در مورد آلاینده‌های بسیار پرهزینه اجتماعی کمتر مورد توجه اقتصاددانان است.

این مقررات در سیستم مالیات بر درآمد شرکت‌ها به صورت مشوق‌های مالیاتی برای سرمایه‌گذاری در تجهیزات ذخیره انرژی و تجهیزات کاهش آلودگی، استفاده از روش استهلاک فزاینده، تخفیف مالیاتی برای استفاده از فرآورده‌های بازیافتی و مشوق‌های مالیاتی برای جنگل‌کاری نمایان می‌گردد.

این مقررات و قوانین می‌توانند همان آثاری را که مالیات‌های غیرمستقیم زیست‌محیطی دارند داشته باشند. به‌عنوان مثال، سیاست‌های تشویقی برای سرمایه‌گذاری در تجهیزات کاهش آلودگی مشابه مالیات‌های غیرمستقیم زیست‌محیطی هستند زیرا آنها نیز ممکن است تنها یک بعد کاهش آلودگی را مورد توجه قرار دهند. در نتیجه ممکن است هدف کاهش آلودگی با کمترین هزینه به دست نیاید و زمینه ناکارایی اجتماعی و اقتصادی را فراهم آورند. مخارج مالیاتی ممکن است هر یک از کارخانه‌ها را به کاهش انتشار آلاینده‌ها تشویق کند، اما یارانه‌ای که به مخارج مالیاتی تعلق می‌گیرد انگیزه خروج کارخانه‌های آلاینده را تضعیف می‌کند و یا در مجموع می‌تواند باعث افزایش انتشار آلودگی گردد. پس مقررات و قوانین زیست‌محیطی که شکل مخارج مالیاتی را به خود می‌گیرند می‌توانند معرف منبع دیگری از ناکارایی باشند که در مالیات‌های غیرمستقیم زیست‌محیطی وجود ندارند.

۳. دامنه عمل مالیات‌های سبز

به لحاظ کارایی، مالیات‌های زیست‌محیطی به ترتیب مالیات پیگو، مالیات‌های غیرمستقیم زیست‌محیطی و مقررات زیست‌محیطی در سایر مالیات‌ها رتبه‌بندی می‌شوند. اما در عمل برای دستیابی به اهداف

زیست‌محیطی، مقررات مربوط به محیط‌زیست در مالیات‌های مختلف بیش از مالیات‌های غیرمستقیم زیست‌محیطی و مالیات پیگو مورد استفاده قرار می‌گیرند.

تعارض بین نظریه کارایی مالیات‌های زیست‌محیطی و کاربرد این مالیات‌ها را می‌توان با استفاده از ارزیابی سه عامل مؤثر بر وضع مالیات‌های کارآمد زیست‌محیطی مورد تجزیه و تحلیل قرار داد:

- طراحی و اجرای مالیات‌های کارآمد زیست‌محیطی دشوار است. همچنین از آنجایی که اغلب برای هزینه‌های اجتماعی ابعاد گسترده‌ای وجود دارد، تعیین هزینه نهایی اجتماعی یک ارزیابی دشوار محسوب می‌شود.

- شرایط خاص ساختاری و اقتصادی کشور می‌تواند مانع کارایی مالیات‌های زیست‌محیطی گردد. در شرایط ناپایداری اقتصاد کلان، وجود نرخ‌های تورم بالا و یا متغیر اجرای مالیات پیگو را دشوار و کارایی آن را محدود خواهد کرد.

- با سایر اهداف سیاست‌گذاری تعارض ایجاد می‌شود به طوری که وضع مالیات‌های کارآمد زیست‌محیطی می‌تواند موجب کاهش بازدهی و تولید اقتصادی و در نتیجه کاهش اشتغال گردد.

۴. سابقه بکارگیری مالیات سبز در ایران

با بررسی قوانین و مقررات مالیاتی در ایران ملاحظه می‌گردد برخی قوانین و مقرراتی که آثار زیست‌محیطی داشته‌اند وضع شده که سابقه وضع این مالیات‌ها به مقررات دهه ۱۳۱۰ در خصوص مالیات بر کربن بر می‌گردد که در سال‌های بعد مالیات بر خودرو با توجه به حجم موتور و ... جایگزین آن شد و از دهه ۱۳۱۰ انواعی از قوانین و مقررات با کاربرد زیست‌محیطی تصویب و اجرا گردید.

اما سابقه استفاده از مالیات‌های مستقیم و غیرمستقیم زیست‌محیطی در ایران وجود ندارد. مالیات پیگویی در ایران مورد استفاده قرار نمی‌گیرد و قوانین و مقررات وضع شده در مواردی تنها می‌تواند آثار کاهنده بر انتشار آلاینده‌ها داشته باشند. در مواردی نیز با وضع مقررات، مالیات غیرمستقیم نیز اخذ شده است. در مواردی نیز این مالیات‌ها به صورت تشویقی اجرا شده‌اند مانند کاهش حقوق ورودی خودروهای وارداتی که به دلیل عدم همراهی با سایر سیاست‌ها منجر به نتیجه مطلوب نشده‌اند. در سال‌های اخیر گسترش پایه‌های مالیاتی، کارا نمودن مالیات و منابع جدید درآمدی مورد توجه بوده و وضع مالیات بر آلاینده‌ها از اولویت‌های تحقیقاتی سازمان امور مالیاتی

نیز می‌باشد. با حذف یارانه‌های سوخت و انرژی و دریافت قیمت واقعی آنها از مصرف‌کنندگان گامی اساسی در جهت کاهش مصرف این منابع و حفاظت از محیط‌زیست برداشته شده است.

۵. نتیجه‌گیری

یکی از معیارهای فرایند توسعه پایدار، توجه به مسائل زیست‌محیطی و حفاظت از محیط‌زیست می‌باشد. در این رهگذر، استفاده از ابزارهای اقتصادی نقش بسزایی در افزایش کارایی بازار و تخصیص بهینه منابع در دستیابی به هدف حداکثر اجتماعی ایفا می‌نماید. مالیات‌های زیست‌محیطی یکی از ابزارهای اقتصادی مورد نظر برای کاهش هزینه‌های خارجی فعالیت‌های اقتصادی است. بکاربردن مالیات زیست‌محیطی به عنوان ابزار سیاست مالی برای کنترل آلودگی می‌تواند از یک سو با اخذ هزینه پیامد منفی خارجی ایجاد شده از افرادی که آن پیامد را ایجاد می‌نمایند و از سوی دیگر، از طریق هزینه‌نمودن وجوه حاصل در جهت کاهش آلودگی‌ها محاسن دوگانه‌ای در جهت ایجاد عدالت اجتماعی به همراه داشته باشد. مالیات‌های زیست‌محیطی علاوه بر تأمین مالی دولت از مسیر سالم موجب حفظ بستر لازم برای توسعه بالنده کشور می‌شود. استفاده از مالیات‌های زیست‌محیطی و افزایش پایه مالیاتی می‌تواند منافع دیگری نیز داشته باشد. با جایگزینی این مالیات بجای مالیات بر حقوق و دستمزد می‌توان بیکاری را کاهش داد یا با بخشش بخشی از مالیات‌های وضع شده دیگر بر شرکت‌هایی که از وضع مالیات زیست‌محیطی بیشتر متضرر شده‌اند از بخش صنعت حمایت نمود.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی

منابع

- پایتختی‌اسکویی، سیدعلی و محمدرضا ناهیدی (۱۳۸۶)، "مالیات‌های زیست‌محیطی (مالیات‌های سبز): مبانی نظری، تجربه‌ها"، ششمین کنفرانس اقتصاد کشاورزی.
- پژویان، جمشید و ناریس امین‌رشتی (۱۳۸۶)، "مالیات‌های سبز با تأکید بر مصرف بنزین"، فصلنامه پژوهشنامه اقتصادی، ویژه‌نامه مالیات.
- محمودی، علیرضا، "سیاست‌های مقابله با مسائل زیست‌محیطی و معرفی یک سیاست کارا برای ایران"، www.dmk.ir.
- مک‌موران، دیوید نلور (۱۳۸۲)، سیاست مالیاتی و محیط‌زیست، نظریه و کاربرد، جستارهایی در سیاست‌گذاری مالیاتی، ترجمه فرشته حاج محمدی، دانشکده امور اقتصادی.

- Bohringer, Christoph Wolfgang Wiegard & Collin Starkweather (2002), "Green Tax Reform and Computational Economics: A Do – it – Yourself Approach".
- Carlos De Miguel & Baltasar Manzano (2011), "Green Tax Reforms and Habits", *Resource and Energy Economics*, Vol. 33.
- Gerhard Glomm, Daiji Kawaguchi & Facundo Sepulveda (2008), "Green Taxes and Double Dividends in a Dynamic Economy", *Journal of Policy Modeling*, Vol. 30.
- Glomm, G., Kawaguchi, D. & F. Sepulveda (2008), "Green Taxes and Double Dividends in a Dynamic Economy", *Journal of Policy Modelling*, Vol. 30.
- Hill Martin (1998), "Green Tax Reform in Sweden: The Second Dividend and the Cost of Tax Exemption".
- J. Peter Clinch & Louise Dunne (2006), "Environmental Tax Reform: An Assessment of Social Responses in Ireland", *Energy Policy*, Vol. 34.
- Koskela, Erkki, Hans, Werner Sinn & Ronne Schob (1995), "Green Tax Reform and Competitiveness", *German Economic Review*, Vol. 2, No. 1.
- Ottmar, Edenhofer & Matthias Kalkuhl (2011), "When Do Increasing Carbon Taxes Accelerate Global Warming? A Note on the Green Paradox", *Energy Policy*, Vol. 39.
- Pench, Alberto (2001), "Green Tax Reforms in a Computable Equilibrium Model for Italy", Working Paper, No. 143.
- Toke S. Aidt (2010), "Green Taxes: Refunding Rules and Lobbying", *Journal of Environmental Economics and Management*, Vol. 60.